

## واکاوی و تحلیل ریشه‌های تاریخی

### روزه عاشورا در منابع اسلامی

احمد فلاح‌زاده\*

#### چکیده

حماسه عاشورا یکی از قطعه‌های ماندگار تاریخ بشریت است؛ اما این واقعه هنگامی روی داد که نخستین شبکه‌های تحریف مفاهیم اسلامی در دستگاه اموی در حال سازماندهی بود؛ از این رو جریان اموی اساساً درصدد بود تا قیام امام حسین علیه السلام را یک سرکشی سیاسی معرفی کند؛ چیزی که رگه‌های آن امروزه در بخشی از جهان اسلام، در قالب شادی کردن در این روز، تبرک‌جستن و شکرگزاری از خداوند برای پیروزی بنی‌امیه دیده می‌شود.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، روزه دهم محرم، برخلاف تبلیغات اموی، نه تنها سنتی نبوی نیست؛ بلکه مفهومی خودساخته در عصر امویان است که پیرو برنامه‌های بنگاه تبلیغاتی اموی آن روزگار به متون دوره‌های بعدی راه یافته است. پژوهش‌های تاریخی، حدیثی و فقهی بر آنند که روایت‌های روزه عاشورا از آنچنان آشفتگی در اسناد و دلالت‌ها رنج می‌برند که نمی‌توان کمترین استدلال دقیق فقهی را بر پایه آنها استوار کرد؛ حتی اگر وجود آن، در عصر پیامبر پذیرفته شود اسناد فراوانی، نسخ آن را پس از تشریح رمضان به دست می‌دهند. افزون بر این دلایل و شواهد متقن کلامی و تاریخی بر این موضوع دلالت می‌کند که حرکت امام حسین علیه السلام و شهادت او بر پایه ارزش‌های دینی و با انگیزه اصلاح مفاسدی صورت گرفته بود که در طول بیش از چهار سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت اسلامی پدید آمده بود و امام حسین علیه السلام از باب وظیفه شرعی و عقلی به تغییر و دگرگونی آن مکلف بود.

**کلیدواژه‌گان:** روزه عاشورا، بنی‌امیه، دهم محرم، جعل روایت.

---

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، ahram12772@yahoo.com

## مقدمه

آنچه بیش از هر چیز جوامع اسلامی را رنج می‌دهد، نه سنت‌های اسلامی بلکه پابندی ناقص مسلمانان به دستورهای دینی است؛ در این میان اختلافات پیدا و پنهان مذاهب اسلامی سبب شده است تا شناسایی مشکلات حقیقی مسلمانان در هاله‌ای از ابهام باقی بماند تا جایی که برخی (وهابی‌ان) به اشتباه مسیر کش و قوس‌های جوامع اسلامی را در بازگشت تمام عیار به جامعه عربی مدینه عصر پیامبر ﷺ با همان حال و هوا را در سر می‌پرورانند؛ امری که با سنت دگرگونی زمانه و خلقت‌های مورد اشاره در قرآن ناسازگار است. این روند فکری خاص باعث شده است تا به‌ویژه در کشمکش‌های مذهبی برخی از طرفداران دیگر مذاهب با عناوینی چون بدعت‌گذار و خرافه‌پرست، دیگر مذاهب اسلامی را حتی از دایره ایمان خارج بدانند.

به نظر می‌رسد در ورای این رویکردها بتوان رد پاهایی از تلاش برای یافتن علل عقب‌افتادگی جوامع مسلمان را در نزدیک‌بینی این مشکلات در آنچه ناخوشایند دیگر مذاهب است، جستجو کرد! یکی از موضوعاتی که از دیرباز در شمار اختلافات میان پیروان مکتب اهل بیت ﷺ و جریان منحط وهابیت وجود داشته، موضوع عاشورا و سوگواری بر امام حسین ﷺ است. در این موضوع مسائل پرشماری مطرح شده است که از لحاظ تاریخی، کلامی و فقهی میان این دو تفکر اختلاف وجود دارد. پیروان بنی‌امیه روز عاشورا را مبارک و فرخنده معرفی می‌کنند و در این روز به شادی و سرور می‌پردازند و برای تبرک‌جستن از این روز، آن را روزی مبارک در فرهنگ اسلامی تلقی می‌کنند، روزه می‌گیرند و بر مشروعیت، بلکه استحباب و حتی وجوب روزه این روز پای می‌فشرند.

سؤال اصلی مقاله این است که ریشه‌های تاریخی اعتقاد به مشروعیت، استحباب و وجوب روزه عاشورا چیست؟ افزون بر این، سؤالات فرعی دیگری هم مطرح می‌شود که عبارتند از: ۱. دیدگاه فقهی اهل سنت و تشیع نسبت به روزه روز عاشورا چیست؟ ۲. پشتوانه‌های فرهنگی فرهنگ عاشورایی و آیین سوگواری حضرت سیدالشهدا ﷺ در میان شیعیان و بسیاری از اهل سنت چیست و آیا وهابی‌ان بر خرافه‌نمیدن این آیین بزرگ و کهن، دلائل و شواهد متقنی دارند؟ لازم به ذکر است که در حوزه مباحث مربوط به عاشورا و سوگواری امام حسین ﷺ کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی نوشته شده است؛ اما درباره استدلال‌های روزه روز عاشورا یکی از بهترین نوشته‌ها در حوزه مطالعات روزه عاشورا، اثر استاد نجم‌الدین طوسی است که به تنهایی یک متن کاملاً مستدل در تحقیقات تاریخی و حدیثی به‌شمار می‌آید.





### بررسی واژگانی سه واژهٔ «خرافه»، «بدعت» و «عاشورا»

قدیمی‌ترین لغت‌نامهٔ موجود، خرافه را سخن بیهوده و خنده‌آور، پیرمرد خرفت یا سخنی که به دروغ آمیخته باشد، معنا کرده است (فراهیدی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۵۲)؛ پس از آن «ابن‌درید» لغت‌نویس سرشناس، خرافه را سخنی باور نکردنی و تعجب‌انگیز دانسته (ابن‌درید، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۵۸۸) و «ازهری» نیز سخن فراهیدی را تأیید کرده است (ازهری، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۵۱)؛ صاحب‌بن‌عباد نیز تعاریف پیشین را پذیرفته (ابن‌عباد، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۲۹) و جوهری نیز همان گفته‌ها را قبول کرده است (جوهری، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۱۳۴۹)؛ جالب آنکه ابن‌عباد، جوهری و ازهری هر سه در روزگار آل‌بویه می‌زیسته‌اند؛ روزگاری که عزاداری عاشورا در سال ۳۵۲ هجری به صورت رسمی و علنی نمود داشته است (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۱؛ ابن‌کثیر، [بی‌تا]، ج ۱۱، ص ۲۴۳)؛ با این حال هرگز در معنای واژهٔ خرافه اشاره‌ای به عاشورا نکرده‌اند. این موضوع یعنی اینکه آنها هرگز عزاداری عاشورا را خرافه نمی‌دانستند؛ زیرا در ذیل واژهٔ خرافه و برای نمونه به این مراسم اشاره می‌کردند؛ به‌ویژه ازهری که لغت‌شناس، ادیب، فقیه و مفسری شافعی بود.

همین واژه‌نگاران، در تعریف «بدعت» آن را نوبافته‌هایی در دین و غیردین می‌دانند؛ یعنی هر چیز که آوردنش مایهٔ تعجب شود و نوآوری به‌شمار آید (فراهیدی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن‌درید، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ازهری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ابن‌درید، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۳۰)؛ البته ابن‌درید، صفت منکر را نیز بدان افزوده است (ابن‌درید، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۱۱۸)؛ جالب آنکه ازهری با همان وصفی که گذشت، هیچ اشاره‌ای به عاشورا، به‌عنوان بدعت نکرده است (ازهری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۴۳)؛ جوهری نیز بدون اشاره به عاشورا، بدعت را نوآوری در دین، پس از اكمال آن می‌داند (جوهری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۱۸۴)؛ درحالی‌که همهٔ این لغت‌نامه‌نویسان اغلب سنی، به‌رغم آنکه در ذیل واژهٔ عاشورا به توضیح آن پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک آن را بدعت ندانسته‌اند (ازهری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۶۱؛ جوهری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۱۹۱؛ احمدبن‌فارس، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۲۶).

### پیشینهٔ عزاداری عاشورا

نخستین بار خود خاندان پیامبر ﷺ که در حقیقت منتشرکنندگان سنت نبوی بر اساس قاعدهٔ «أهلُ البیت ادری بما فی البیت» (شوشتری، بی‌تا، ص ۴۴۹) هستند، عزاداری عاشورا را



بنیان نهادند. داده‌های تاریخی، سوگواری و حتی پختن غذا در عاشورا را اولین بار از سوی امام سجاد علیه السلام گزارش کرده‌اند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۲۰)؛ پیش از این زمان از ام سلمه، همسر پیامبر (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۹) و دیگر صحابه، گزارش‌هایی مبنی بر پیشگویی و عزاداری روز عاشورا به ما رسیده است. فراوانی این گزارش‌ها را می‌توان در یکی از بنام‌ترین کتب تاریخی اهل سنت دید. صالحی شامی در «الباب الثالث عشر فی إخباره صلی الله علیه و آله بقتل الحسین بن علی رضی الله تعالی عنهما» ده روایت از زنان و صحابه پیامبر نقل می‌کند که در همگی آنها به پیشگویی و سوگواری پیامبر در عزای حسین بن علی علیه السلام اشاره شده است؛ وجود نام‌های همسران پیامبر، ام سلمه، عایشه، زینب دختر جحش، همچنین ام فضل دختر حارث و حضرت علی علیه السلام در این اسناد، گویای گستردگی این ماجراست (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳). بعدها قندوزی نیز در «الباب الستون فی الأحادیث الواردة فی شهادة الحسین...» در چند صفحه همین اسناد را دوباره ارائه کرده است (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۷)؛ افزون بر آن تاریخ‌نگاران، پیشگویی حضرت علی علیه السلام درباره حادثه عاشورا، زمانی که آن حضرت برای نبرد صفین، از کربلا می‌گذشت را ثبت کرده‌اند (منقری، ۱۴۰۳، ص ۱۴۲).

### بررسی روایت‌های روزه عاشورا

دولت اموی بر اساس دیدگاه قدری حاکم بر آن به‌ویژه در عصر نخست خود، سیستمی اعتقادی تولید کرد که بر اساس آن می‌توانست به راحتی به تکفیر اعتقادی یا سیاسی مخالفان بپردازد. (آدانگ و همکاران، [بی‌تا]، ص ۴۲). در اینجا ضمن واکاوی جوانب آن، پیشینه روزه عاشورا بررسی می‌شود:

### عاشورای یهودیان و گرده برداری اسلامی از آن

بنابر ادعای برخی، روزه عاشورا رسمی یهودی بود که مسلمانان مهاجر، آن را از یهودیان آموخته بودند. از لابه‌لای گزارش‌های تاریخی، چنین برمی‌آید که عاشورای مقدس یهودیان، در واقع روز دهم یک ماه عبری بود؛ یعنی اینکه اساساً اعمال دینی یهودیان بر اساس تقویم عبری بود نه عربی؛ از سوی دیگر عاشورای موسویان، روز دهم ماه «تشرین» عبری است که یهودیان آن روز را، روزه کیبور می‌گفتند. روزه ۲۵ ساعته این روز، قبل از غروب آفتاب روز نهم شروع می‌شد و تا ساعتی بعد از غروب روز دهم ادامه داشت (بیرونی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۴۳)؛ برخی ادعا می‌کنند اعراب جاهلی نیز این روز را در جاهلیت روزه می‌گرفتند



(دارمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲) و بخاری، مالک و ترمذی نیز آن را تأیید کرده‌اند (مالک، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۹؛ دارمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳؛ ترمذی، [بی‌تا]، ص ۱۷۸. بخاری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳)؛ اما گویا تنها این یهودیان عرب بودند که چنین روزه‌ای را واجب می‌دانستند. تمامی آنچه گذشت، ادعای گرت‌برداری روزه عاشورا از رسم روزه‌داری یهود را زیر سؤال می‌برد. دلیل دیگر بر ناهمخوانی اقتباس روزه‌داری عاشورا از یهودیان این است که اساساً هجرت پیامبر به مدینه در ماه ربیع‌الاول اتفاق افتاد و این یعنی دو ماه از محرم سال اول گذشته بود؛ پس قاعدتاً روزه عاشورای سال اول هجرت از اساس منتفی است؛ اما یک نکته شایسته توجه است که دهم محرم سال دوم هجرت هم نمی‌تواند برابر با عاشورای یهودیان باشد؛ زیرا روز دهم محرم سال دوم هجری برابر با ۲۵ تیرماه سال دوم هجری شمسی بود؛ درحالی که عاشورای یهودی (دهم تشرین) برابر با مهرماه سال دوم هجرت بوده است. مورد دیگر که باور روزه عاشورای سال دوم هجرت پیامبر را نیز با مشکل مواجه می‌سازد، بحث «نسیء» در قرآن است که در واقع، سخن از جابه‌جایی ماه‌ها از جای خود به ماه‌هایی دیگر، به قصد تجارت و حج بود (توبه: ۳۷)؛ جابه‌جایی ماه‌ها، تا زمان فتح مکه از سوی مشرکان ادامه داشت و اثر آن تا عید قربان سال حجة الوداع (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۱۲؛ ابن‌هشام، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۰۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۴۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۰) بدین معناست که هیچ‌یک از عاشوراها سال‌های گذشته آن، اساساً برابر با دهم محرم نبوده است! به هر حال اگر گفته شود که شاید به‌طور اتفاقی، دهم ماه عبری آن سال با دهم محرم، هم‌زمان بوده است، تاریخ گواهی می‌دهد که دهم ماه عبری سال دوم هجرت، روز شنبه و برابر با نهم ربیع‌الاول همان سال است نه دهم محرم! (بیرونی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۲۲)؛ بنابراین، واژه محرم، اساساً واژه‌ای اسلامی است و در جاهلیت و پیش از اسلام، به آن «صَفَرِ اول» می‌گفتند (فراهیدی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۲۵۳).

شاید بتوان گفت، بعدها به دلیل نسخ روزه دهم تشرین (عاشورای یهودیان) از سوی پیامبر، واژه عاشورا که روزه دهم تشرین را تداعی می‌کرد، از جامعه اسلامی رخت بریست و دوباره در قرن دوم، به دنبال عزاداری شیعیان در روز دهم محرم، این بار واژه عاشورا بر دهم محرم نام نهاده شد؛ در این صورت می‌توان ادعا کرد که سیر واژه «عاشورا» چیزی شبیه به سیر تاریخی واژه «صلاة» است که از نیایش در عهد جاهلیت، به «نماز» در دوران اسلامی،



تغییر معنا داده است. با این حال شماری از نویسندگان معاصر سنی معتقدند، بررسی تاریخی روزه عاشورا چهار دوره تاریخی را طی کرده است: ۱. عصر جاهلی؛ ۲. دوره هجرت از مکه به مدینه تا سال دوم؛ ۳. از سال دوم تا روزگار فتح مکه؛ ۴. از فتح مکه تا رحلت رسول خدا (حدیدی، [بی تا]، ص ۱۲۶ - ۱۲۵).

### واژه عاشورا در قرن دوم هجری

از بررسی‌های تاریخی نتیجه می‌شود که واژه عاشورا هنوز در آغاز قرن دوم، برای خیلی‌ها مشخص نبود؛ چنان‌که در نیمه دوم قرن دوم، «فراهیدی» قاموس‌نگار معروف، مردد است که عاشورا روز نهم یا دهم محرم است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۹). به نظر می‌رسد او سخنش را به روایتی از ابن عباس مستند کرده که در آن روز نهم محرم، روز عاشورا دانسته شده است (مقری فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۵). با آغاز دوره عباسیان و از سرگیری دور جدید روایت‌سازی‌ها، تلاش محدثان هواخواه روزه عاشورا، برای مستند کردن این روزه به امام علی علیه السلام و با سلسله سند عبدالله بن عباس یک رفتار کاملاً سوگیرانه بود (بزار، ۱۴۲۶ق، ج ۱۱، ص ۳۲۲)؛ اما سندی که روزه روز شهادت امام حسین علیه السلام را به امویان نسبت می‌داد، سخن مقریزی است. او می‌گوید حجاج بن یوسف سردار اموی، روزه عاشورا را باب کرد (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۳۷). این روزه همچنان کج‌دار و مریز حرکت تاریخی خود را ادامه داد تا اینکه حنابله به شدت متعصب بغداد، بدان شهرت مذهبی بخشیدند (تنوخی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۱۷۱).

رونق روزه عاشورا آن هم با تعریف جدید در سده سوم در میان اهل سنت بغداد به گونه‌ای مشهور شد که برخی از نویسندگان شیعی به فکر رد منطقی آن افتادند (بیرونی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۲۲)؛ از این رو حتی شیخ صدوق هم‌زمان با شهرت عزاداری عاشورا در بغداد، در بیان مسائل روز عاشورا، این نیاز را می‌بیند که در توضیح عاشورا بگوید: «منظورم روز دهم محرم است، چرا که برخی آن را روز نهم نیز می‌دانند» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص ۶۰۰). این برداشت از عاشورا تا قرن‌ها ادامه داشت؛ برای نمونه قرطبی در قرن هفتم در تعریف عاشورا، آن را روز نهم و دهم ماه محرم می‌داند و بدون آنکه در این باره نظر قطعی بدهد، سخنش را به پایان می‌برد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۹۱).

## آشفتگی روایات روزه عاشورا

اصلی‌ترین روایت‌هایی که مستند شبهه‌سازان در استناد به روزه عاشورا حاوی این مفهوم هستند که در سال دوم هجرت، پیامبر نخستین بار روزه عاشورا را اعلان کردند (دیاربکری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴). همچنین قدیمی‌ترین متون تاریخی، بر این هستند که یهودیان این روز را یوم الغرق فرعونیان و یک عید الهی می‌دانستند و پیامبر ﷺ نیز در سال دوم هجرت، در آن روز روزه گرفتند و دستور دادند مسلمانان که در واقع بهترین پیروان انبیای پیشین و بالتبع حضرت موسی هستند، این روز را روزه بدارند. اگر چنین چیزی پذیرفته شود، در واقع رسول الله با این کار، این یوم‌الله را به نفع مسلمانان مصادره کرده‌اند. واژه «من از یهودیان به موسی ﷺ سزاوارترم» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۱۷) و «یوم عاشوراء منسوب إلی موسی و یوم عرفه منسوب إلی النبی» (قسطلانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۴۳۵) به‌خوبی همین نکته را می‌رساند.

در همین راستا، شماری از نوشته‌های سنی سده چهارم، معتقدند چون روز عاشورا نوح از کشتی پیاده شد، باید این روز را روزه گرفت (صحاری، ۱۴۲۷ق، ص ۵۴)، شایسته توجه است در سده پنجم، توجه به روزه عاشورا به‌عنوان یک روش برای مبارزه با شیعیان بسیار مورد توجه بود. از این رو ابن جوزی نقل می‌کند: «هر کس عاشورا را روزه بدارد خدا ثواب ده هزار فرشته و شهید و تمامی حاجیان و عمره‌گزاران آن سال را و ثواب تسبیح فرشتگان و شصت سال روزه‌داری و شب زنده‌داری به او می‌دهد» (ابن جوزی، [بی‌تا]، ص ۲۵۰). در کنار این روایت‌ها، مجموعه‌ای از احادیث وجود دارند که حاکی از مخالفت پیامبر با سنت‌های یهودیان است (طیبی، [بی‌تا]، ص ۲۲).

## بررسی فقهی روزه عاشورا

فقه دانشی است که رگه‌های نخستین آن را می‌توان در احادیثی که حاوی احکام شرعی بودند، دنبال کرد. این احادیث که برخی از آنها صورتی از یک فتوای فقهی را داشتند در سنت دو سده‌ای پیوستگی حدیث و فقه، همچنان در کنار هم می‌زیستند تا اینکه در میانه قرن سوم، محدثان با جدا کردن دو دانش حدیث و فقه در قالب باب‌بندی کتب حدیثی، آرای فقهی مورد نظر را از خلال همین احادیث به‌گونه دیگری ارائه کردند. در این میان بررسی تاریخی فقه عاشورا، دوره‌ای از فراز و فرودهای تاریخی - روایی را به پیش چشم می‌نهد. همچنین تأملی در





تاریخ فقه عاشورا به‌عنوان آمیزه‌ای از فرمان‌های فقهی نو، پرده از بالندگی این دانش در میان امامیه بر می‌دارد.

دوازده زیارتنامه شامل: زیارت‌های مزار امام حسین علیه السلام در «اول رجب»، «نیمه رجب»، «نیمه شعبان»، «اول رمضان»، «شب بیست و سوم رمضان (شب قدر)»، «روز عید فطر»، «روز عید قربان»، «شب عرفه»، «روز عرفه»، «روز عاشورا»، «روز اربعین» و «زیارت قبر امام حسین علیه السلام در همه زمان‌ها» به همراه آداب فقهی خاصش تنها یکی از جنبه‌های فقهی عاشورا است. آیین‌هایی که برخی از آنها تداعی‌کننده زیارت خانه خدا هستند مانند: با پای پیاده رفتن، سرمه نکشیدن، به فرات رفتن با تکبیر، تهلیل، غسل و وضو، لباس پاکیزه پوشیدن، ترک مجادله و منازعه، سوگند نخوردن، راه رفتن به صورت متواضعانه و با حالت دل شکستگی، کم سخن گفتن، احسان به دیگر زوار حرم، صلوات بر لب داشتن، وارد شدن از جانب مشرق حرم، آب دادن و سقایت کردن، از غذاهای ساده استفاده کردن، خواندن سلام‌ها، حاجت طلبیدن، نفرین کردن مظلوم بر ستمگر، تبرک به تربت حسینی، گریه کردن، سه نماز مخصوص شب عاشورا، نمازهای ویژه حرم، برپایی مجالس ماتم، تعطیلی کسب‌وکار، استحباب تعزیت گفتن به شیعیان، خودداری در اطعام، لعن قاتلان، ترک خنده، شادی و لهو و لعب.

بازخوانی این سبک از فقه‌مداری در تاریخ که به سنگین شدن کفه آیینی تشیع کمک می‌کرد به‌خوبی می‌توانست مایه تحریک جریان‌های مقابل برای آیین‌سازی باشد. چه آنکه بررسی تاریخی هر دو فرقه نشان می‌دهد، الگوبرداری‌های آیینی یکی از نمونه رفتارهای عالمان و پیروان این دو مذهب در برابر دیگری بوده است. یک نکته اساسی اینکه اصلی‌ترین متون فقهی اهل سنت درست زمانی نوشته می‌شد که دولت عباسی نزدیک به یک سده از حکمرانی‌اش را طی می‌کرد. خلافتی که بنا بر برخی باورها خود را در آغاز منتقم خون امام حسین علیه السلام می‌دانست (جرجانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۳).

با گذشت بیش از یک قرن از سقوط امویان، جامعه اهل سنت به‌ویژه در عراق و نه شام، تحت تأثیر باورهای عباسیان بود. عالمان سنی در این عصر (زمان نگارش کتب فقهی اهل سنت) در رقابت با رفتارهای آیینی شیعه، گرته‌برداری فراوانی از آیین‌های شیعی می‌کردند. عاشورا یکی از نمودهای قدرت سیاسی و اعتقادی شیعه بود که عباسیان نمی‌خواستند در انحصار امامیه بماند؛ از این‌رو، روزه عاشورا یکی از روایت‌هایی بود که این بار



نه به مانند امویان بلکه با رویکرد جدید عباسیان که بزرگداشت امام حسین علیه السلام در قالب روزه‌داری بود، مورد توجه قرار می‌گرفت. چنین رفتاری به‌ویژه در سده‌های چهارم، پنجم و ششم رونق بیشتری یافت.

در این باره گفته‌های ابن‌جوزی که در بالاترین حد افراط در پردازش یک رویداد است، جالب به نظر می‌رسد. او مستنداً از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌گوید: «در روز عاشورا هر کار نیکی که می‌توانید انجام دهید، صلۀ رحم کنید که این روز پادشاهان بیشتر می‌شود و هر آنچه که ببخشید اجرش فراوان‌تر است و هر کسی در این روز مؤمنی نزد او افطار کند، گویا همه مسلمانان را افطار داده است». متن سه صفحه‌ای او سراسر به ثواب روزه عاشورا، نفقه بر عیال و غسل این روز می‌پردازد. (ابن‌جوزی، [بی‌تا] ص ۲۵۳-۲۵۰). شگفت این‌که خود ابن‌جوزی در القصاص و المذکرین از روایت‌پردازی‌های بی‌حد و حصر درباره روزه عاشورا گله‌مند است (ابن‌جوزی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۷).

از سوی دیگر منابع استنباط احکام نزد شیعه و اهل سنت نیز از تفاوت خاصی در سرچشمه و چگونگی دریافت حکم برخوردار بودند که خود همین، تنها یک مشرب را برای اهل سنت در منسک‌سازی باقی می‌گذاشت و آن تمسک به روایاتی از پیامبر درباره روزه عاشورا بود که می‌توانست دامنه آیینی این دست از مسلمانان را دست کم در یک نمونه روزه‌داری عاشورا تهی نگذارد. با همه اینها، بخاری در کتاب الصوم سه روایتی را به دست می‌دهد که سرانجام، نه جنبه استحباب را در نظر می‌گیرد و نه وجوب را (البانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۴۷). همین مسیر را مسلم نیز در کتاب فقهی‌اش پیموده است (اسفراینی، ۱۴۳۵ق، ص ۳۴۴)؛ اما ابوبکر نیشابوری روایت‌ها را به‌گونه‌ای در کنار هم می‌چیند که از آن پابندی صحابه به روزه عاشورا بر می‌آید (نیشابوری، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۵۵)؛ ولی در دوره معاصر، جریان‌های وهابی مانند بن‌باز، می‌کوشند تا دیگران را به این روزه ترغیب کنند (بن‌باز، [بی‌تا]، ج ۱۵، ص ۳۹۷).

### دیدگاه فقیهان مسلمان درباره روزه عاشورا

فقه‌های اهل سنت نیز هر یک صاحب فتوای خاصی در این باره هستند. ابوحنیفه آن را واجب دانسته و شافعی آن را دارای کمترین مرتبه استحباب می‌داند؛ درحالی‌که احمدبن حنبل آن را واجب می‌داند؛ قسطلانی آن را مستحب مؤکد می‌نامید؛ زرقانی نیز آن را منسوخ می‌دانست





که استحبابش همچنان برقرار است (طبسی، [بی‌تا]، ص ۲۰-۲۱). جالب آنکه روایت‌هایی که می‌گویند پیامبر در مدینه، عاشورا را روزه گرفتند، خود دو دسته‌اند: طبق شماری از این روایت‌ها، آن حضرت در مخالفت با یهود، عاشورا را روزه می‌گرفتند (مقری فیومی، ۱۴۱۴، ص ۷۵)؛ برخی همین روایت‌ها را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که یهودیان، روز عاشورا روزه می‌گرفتند و پیامبر روز نهم را به روزه دهم اضافه کردند تا مسلمانان شبیه به یهودیان نباشند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۳)؛ اما مطلبی که ثواب روزه عاشورا را برابر با بخشش گناهان یک سال دانسته است، به نظر می‌رسد، بیشتر یک حدیث اخلاقی باشد (دیاربکری، ج ۱، ص ۲۱۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵۲)؛ زیرا شبیه به همین روایت از رسول‌الله ﷺ درباره روزه روز ترویه و برابری آن با بخشش گناهان یک سال و روزه عرفه و برابری آن با پاک‌سازی گناهان دو سال در دسترس است (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۶۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۶ق، ص ۲۲). در همین تراز از رسول‌الله ﷺ روایت است که اگر شخصی یک شب تب را تحمل کند، گناهان یک سالش بخشیده می‌شود (حلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

به هر حال این نوشته‌ها، میراثی جز سردرگمی برای فقیهان اهل سنت نداشت؛ چنان‌که چهار نظر از ایشان نقل شده است: ۱. پیامبر در مکه، عاشورا را روزه می‌گرفتند و کسی را به این کار سفارش نکردند؛ ۲. پیامبر در مدینه، عاشورا را روزه می‌گرفتند و این را نسبت به همه توصیه کردند تا جایی که بچه‌ها هم روزه می‌گرفتند؛ ۳. روزه عاشورا پس از وجوب رمضان نسخ شد؛ ۴. پیامبر یک روز به روزه عاشورا اضافه کردند تا مسلمانان در این روزه‌داری به یهودیان شبیه نباشند (قسطلانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۵). در این سو، برخی از مطالعات جدید جامعه اهل سنت نیز همچنان به استحباب این روزه معتقدند (حدیدی، [بی‌تا]، ص ۱۸۱).

### روزه عاشورا از نگاه فقیهان شیعه

روزه عاشورا در میان شیعیان نیز دیدگاه‌های متفاوتی به خود دیده است؛ در حالی که شماری از علمای شیعه مانند علامه حلی، محقق نجفی، محقق قمی، سید عاملی، سبزواری و مجلسی روزه عاشورا را واجب نمی‌دانستند، تعداد بسیار کمی از ایشان، به وجوب این روزه پیش از وجوب رمضان فتوا داده‌اند. گروهی هم بر این باورند که پس از آمدن روزه رمضان، روزه عاشورا نسخ شده است (طبسی، [بی‌تا]، ص ۱۸ - ۱۹)؛ اما عالمان عصر غیبت صغری، همچون شیخ صدوق (۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۵)، شیخ مفید (۱۴۱۳، ص ۳۷۶) و در پی او،

شیخ طوسی نیز روزه عاشورا را منسوخ می‌دانستند (۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۰۲). در این میان پاره‌ای از بررسی‌های جدید می‌کوشند دست کم در مسیر استدلال‌های خود، روایات منع از روزه عاشورا در متون امامیه را سُست و یا کم‌پشتوانه بنمایند، تا همچنان جایی برای وجوب روزه عاشورا باقی بماند (پاکزاد، بی‌تا، ص ۳).

### جایگاه امام حسین علیه السلام نزد شیعیان

حقیقت این است که عزاداری شیعیان آموزه‌ای است که از سیره اهل بیت علیهم السلام گرفته شده است. سوگواری بر حسین علیه السلام و دیگر عزیزان خدا سفارش خود پیامبر صلی الله علیه و آله است این سخن که شیعیان به دنبال شأن‌سازی برای اهل بیت و همسان‌دانی آنها با پروردگار هستند، سخنی کاملاً مردود است. شیعیان هرگز چنین چیزی را در عزاداری دنبال نمی‌کنند؛ هیچ متن شیعی را نمی‌توان یافت که چنین ادعایی را ثابت کند؛ از سوی دیگر تجربه نشان داده است، عزاداری برای امام حسین علیه السلام به تکرار هر ساله، پرورش ویژگی امر به معروف و مبارزه با منکر را به همراه دارد. عزاداری سالار شهیدان به مسلمانان روحیه مبارزه با ظلم می‌بخشد تا جایی که از «گاندی» این‌گونه نقل شده که مبارزه با انگلیس استعمارگر را از رفتار و منش امام حسین علیه السلام الگوگیری کرده است. از حیث آیینی نیز، براساس یک تجربه پیشرو، عزاداری عاشورا، یکی از زمینه‌های مهم مبارزه با ستم و دفع فتنه‌های اجتماعی و عامل انسجام و اتحاد جامعه شیعی است.

### جایگاه اهل بیت علیهم السلام در باور شیعیان

یکی از نکته‌هایی که درباره مقام اهل بیت علیهم السلام نزد شیعیان قابل توجه است، جایگاه نظام اسباب و مسببات در چارچوب اندیشه آنهاست. بنابر نظر شیعیان که البته ایده‌ای قرآنی است، مدیریت نظام آفرینش از یک‌سری اسباب و مسببات (واسطه‌ها) تشکیل شده است و خدای متعال برنامه‌هایش را به وسیله اسبابی انجام می‌دهد؛ مانند شفای چشمان حضرت یعقوب با پیراهن یوسف (یوسف: ۹۶)؛ دعای حضرت موسی علیه السلام در برطرف کردن بلاهای فرعونیان (اعراف: ۱۳۴؛ زخرف: ۴۹) یا سکینه و آرامشی که تابوت برای بنی اسرائیل در پی داشت؛ (بقره: ۲۴۸)؛ از این رو شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام که در آیات مختلف قرآن، مانند آیه تطهیر، (احزاب: ۳۳)، مباحله، (آل عمران: ۶۱) و آیات آغازین سوره دهر (۷ - ۲۱) و... مورد توجه قرار گرفته، برای شیعیان تعبیری این‌گونه دارد و این ادامه همان سنت الهی تبیین‌شده در قرآن است. در نگاه شیعیان، اهل بیت علیهم السلام هرگز مقام ربوبی ندارند؛ بلکه صرفاً هادیان الهی هستند.





## عاشورا در عرف جوامع شیعیان

فرهنگ عاشورا در میان آداب و عادات اجتماعی برآمده از عرف جوامع شیعی، نفوذ خاصی دارد؛ مثلاً شیعیان معمولاً ایام شهادت امام حسین علیه السلام از مسائل مربوط به ازدواج و برپایی جشن و سرور حلال هم خودداری می‌کنند و این یک بحث عرفی است. به عبارت دیگر هرگز ردی بر ازدواج در ایام محرم وارد نشده است؛ ولی در برخی از جوامع شیعی در این ایام، مردم به نشانه احترام، جشن تزویج برپا نمی‌کنند که آن هم به پاره‌ای از سنت‌های غلط ازدواج و شادی‌های مستانه‌ای که در ازدواج‌ها باب شده، باز می‌گردد؛ و الا صرف عقد بستن ایام محرم، بدون برپایی جشن و مجلس شادی، ابدأ اشکالی ندارد. حتی در میان اهل بیت علیهم السلام نیز سنت ازدواج بسیار آسان‌تر از آن است که امروزه در میان جوامع اسلامی رسم شده است. ادعای درگیر بودن جوامع اسلامی با خرافات، بحثی جدای از خرافه‌دانی مراسم‌های ریشه‌دار اسلامی است. در جوامع اسلامی آنچه به‌عنوان خرافه دیده می‌شود، بیشتر موضوعاتی عرفی است نه دینی! که البته برخی معتقدند این عرف مقبول است و ریشه‌روایی نیز دارد. به هر روی، در موارد مختلف، این عرف است که دست و پای دین را بسته و گیر و گرفت‌های خاصی را به وجود آورده است و گرنه بر مبنای سخن پروردگار، اسلام دین زداینده بندها و زنجیرهای خرافه یا آمیخته با خرافه عرفی و فرهنگی است! (اعراف: ۱۵۲).

## برآیند

آنچه گذشت نشان داد، عزاداری عاشورا سنتی اسلامی و تأییدشده از سوی اهل بیت علیهم السلام است. پیشینه آن به دوران صدر اسلام برمی‌گردد و به‌خوبی با سازوکارهای الهی اسلام همخوانی دارد؛ اما درست برخلاف عزاداری، روزه عاشورا، در چنته اسناد نامطمئن تاریخی و حدیثی، آنچنان سردرگم است که نمی‌توان پشتوانه دقیقی از تاریخ برای آن ترسیم کرد تا جایی که همین موضوع مایه چندنظری فقیهان درباره روزه عاشورا شده است؛ چه آنکه این روزه، در واقع، برآیند تلاش امویان برای سرکوب شیعیان آن هم در قالب رسمی الهی بوده است. ادعای بدعت در عزاداری عاشورا نیز بر مبنای گزارش‌های تاریخ، نخستین بار از سوی امویان و پس از آن در کشاکش درگیری‌های مذهبی قرن چهارم از سوی حنابله روزه عاشورا مطرح شد. سرانجام اینکه، برگزاری عزاداری عاشورا که نمادی از مبارزه با ستم در هر روزگاری است، هرگز به‌معنای تأیید مقامی الهی برای ائمه علیهم السلام در کنار مقام ربوبی پروردگار نیست و بلکه بر مبنای سنت قرآنی «نظام اسباب و مسببات» و نیز «سنت قرآنی توسل»، این سوگواری، به‌معنای یادواره‌ای برای سنت شهادت است.

## فهرست منابع

### قرآن كريم

١. ابن انس، مالك، موطأ، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
٢. ابن جوزى، عبدالرحمن، المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٢ق/١٩٩٢م.
٣. ——— القصاص والمذكرين، تحقيق: محمدبن لطفى الصباغ، چاپ دوم، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤٠٩ق.
٤. ——— بستان الواعظين، تحقيق: ايمن عبدالجبار البجيرى، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الثقافية، [بى تا].
٥. ابن حجر، عسقلانى، الامالى المطلقة، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد بن سلفى، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤١٦ق/١٩٩٥م.
٦. ابن دريد، محمدبن حسن، جمهرة اللغة، بيروت: دارالعلم للملايين، [بى تا].
٧. ابن سعد، محمدبن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٠ق/١٩٩٠م.
٨. ابن عباد، صاحب، المحيط فى اللغة، تحقيق: محمدحسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتب، [بى تا].
٩. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم: مكتبة الاعلام الاسلامى، [بى تا].
١٠. ابن كثير، عمادالدين اسماعيل بن كثير دمشقى، البداية و النهاية، بيروت: دار الفكر، [بى تا].
١١. ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: دارالمعرفة، [بى تا].
١٢. اربانى، ابو عبدالرحمن، مختصر صحيح البخارى، رياض: مكتبة المعارف، ١٤٢٢ق/٢٠٠٢م.
١٣. ازهرى، ابو منصور محمدبن احمد، تهذيب اللغة، بيروت: داراحياء التراث العربى، [بى تا].
١٤. اسفراينى، ابو عوانه، المسند الصحيح المنخرج على صحيح المسلم، عربستان: الجامعة الاسلامية، ١٤٣٥ق/٢٠١٤م.
١٥. بخارى، محمدبن اسماعيل، صحيح بخارى، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
١٦. برقى، احمدبن خالد، المحاسن، قم: دارالكتب الاسلامية، ١٣٧١ق.





۱۷. بزار، ابوبکر احمد، مسند البزار (البحر الزخار)، تحقيق: عادل سعد، المدينة المنورة: مكتبة العلوم و الحكم، ۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م.
۱۸. بلاذري، أحمد بن يحيى، كتاب جمل من انساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، ط الأولى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
۱۹. بن باز، عبدالعزيز، مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز، [بى جا]: [بى نا]، [بى تا].
۲۰. بيرونى، ابوريحان، الآثار الباقية، تهران: ميراث مكتوب، ۱۴۲۲ق.
۲۱. پاكزاد، عبدالعلى، مهدى (عبدالمهدى) جلالى، «روايات روزه عاشورا، چيستى، گونه ها و تحليل»، علوم حديث، سال بيستم، شماره سوم، ص ۳-۲۷.
۲۲. ترمذى، ابو عيسى، الشمائل المحمدية، بيروت: داراحياء التراث العربى، [بى تا].
۲۳. تنوخى، ابو على محسن، نشوار المحاضره، بيروت: [بى نا]، ۱۳۹۱.
۲۴. جرجانى، يحيى بن حسين، الامالى الخميسية، تحقيق: محمدحسن اسماعيل، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.
۲۵. جوهرى، إسماعيل بن حماد، الصحاح، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملايين، [بى تا].
۲۶. حديدى، رضوان عزالدين صالح، «صوم التاسع من محرم و عاشوراء فى ميزان المحدثين و الفقهاء»، مجلة الرافيدين، المجلد ۱۶، العدد ۵۶، السنة ۱۸، ص ۱۲۵-۱۹۰.
۲۷. حلبى شافعى، ابوالفرج، السيرة الحلبية (إنسان العيون فى سيرة الأمين المأمون)، چاپ دوم، بيروت: دارالكتاب العلميه، ۱۴۲۷ق.
۲۸. دارمى، ابو محمد عبدالله بن بهرام، سنن دارمى، بيروت: دارالفكر، [بى تا].
۲۹. دياربكرى، حسين، تاريخ الخميس فى أحوال أنفس النفيس، بيروت: دارالصادر، [بى تا].
۳۰. ذهبى، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، چاپ دوم، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۴۰۹ق.
۳۱. زحيلى، وهبة، الفقه الاسلامى وادلتة، [بى جا]، دار الفكر، ۱۴۱۸ق.
۳۲. شوشترى، قاضى نورالله، احقاق الحق، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
۳۳. صالحى الشامى، محمد بن يوسف، سيل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
۳۴. صحارى، ابوالمنذر، الانساب، تحقيق: محمد احسان نص، عمان: مطبعة اللوان الحديثة، ۱۴۲۷ق/ ۲۰۰۳م.



۳۵. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳۶. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.
۳۷. طبسی، نجم الدین، صوم عاشورا، بیروت: دار الولا، [بی تا].
۳۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: اسلامی، ۱۳۶۵.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۴۱. قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب الدینیة بالمنح المحمدیة، قاهره: المكتبة التوفیقیة، [بی تا].
۴۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، بیایح المودة، چاپ دوم، قم: اسوه، ۱۴۲۲.
۴۳. مبلغی، احمد، فقه عاشورا، <http://feghahat.com>
۴۴. مفید، محمد بن نعمان، امالی، قم: کنگره، ۱۴۱۳ق.
۴۵. \_\_\_\_\_ المقننه، قم: کنگره، ۱۴۱۳ق.
۴۶. مقریزی، تقی الدین، المواعظ و الاعتبار، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۴۷. مقرئ فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۴۸. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۴۹. نیشابوری، ابوبکر محمد بن ابراهیم، اشراف علی مذاهب العلماء، تحقیق: صغیر احمد الانصاری ابوحامد، مکتبه مکه الثقافیة، رأس الخیمه، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.
۵۰. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۵۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ق/۱۹۹۸م.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی تا].
53. Adang Camilla, Hassan Ansari, Maribel Fierro and Sabine Schmidtke, Accusations of Unbelief in Islam A Diachronic Perspective on Takfir, Leden , Boston.